

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سرمدبیر : آرش کمانگر شماره 211 یکشنبه 28 تیر 1383 18 ژوئیه 2004



تحولات جدید ، ظرفیت های جدید و وظائف ما !

شهاب برهان

دیدگاه

اوضاع عمومی جهانی با یورش بی سابقه ای که هیولای سرمایه بین المللی در دهه های اخیر برای بلعیدن انسان و طبیعت آغاز کرده است؛ با میلیتاریسم امپریالیستی یکه تاز و تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا و شرکای امپریالیست اش که صلح و استقلال ملت ها را به خطر انداخته اند؛ با صهیونیسم شبه نازیسم دولت تروریست، نژاد پرست و آپارتاید اسرائیل؛ با اوج گیری موج ارتجاعی اسلامگرانی و گسترش بین المللی تروریسم اسلامی؛ - و اوضاع عمومی ایران با ناتوانی های اساسی جنبش عمومی ضد استبدادی برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی؛ با ضعف های بنیادی جنبش کارگری و سوسیالیستی و جنبش های اجتماعی؛ با تداوم بحران آلترناتیو در شرایط تعمیق بحران موجودیت رژیم؛ در یک سال گذشته تغییر کیفی نکرده اند و از این رو، استراتژی و خط مشی عمومی کمونیست ها در قبال آن ها هم تغییر نمی کند. اما شکست اصلاح طلبان در اسفند 1382، مبدأ چرخش های مهمی در شرائط داخلی و تا حدی روابط بین المللی ایران شده است که از لحاظ سیاست های تاکتیکی، ملاحظات تازه ای را ضروری می کنند.

بقیه در صفحه 3

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان پیرامون
مرگ جانگداز رفیق فرهاد فرهادی (حیدر)

در صفحه 9

پیش نویس سند سیاسی اصلاح شده
" جمهوریخواهان لائیک و دمکرات "

در صفحه 6

آخبار و گزارشات

در صفحات 7 و 8

دعوت عام انجمن ها، نهاد های فرهنگی -
اجتماعی و فعالین سیاسی در سراسر اروپا،
کانادا، آمریکا و استرالیا

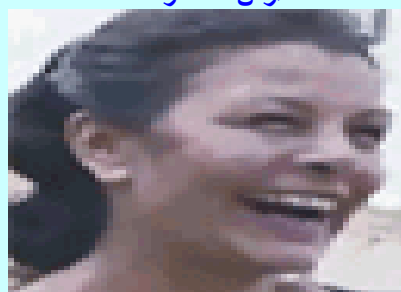
در حمایت از اعتصاب غذای زندانیان
سیاسی و در محکومیت موج تازه
سرکوبگریها و دستگیریهای اخیر در
سراسر ایران!

جهانیان و آزادیخواهان ایرانی!

اخبار دریافتی از ایران ، نشان از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی سالن یک زندان اوین توسط آقایان : دکتر ناصر زرافشان _ دکتر فرزاد حمیدی _ احمد باطنی _ پیمان پیران _ سعید ماسوری _ سعید شاه قلعه ای _ فرهاد دوستی _ امید عباسعلی نژاد _ رضا محمدی _ غلامرضا اعظمی _ علی شریعت پناه _ غلام حسین کلبی و همچنین حشمت الله طبرزدی در محکومیت تهاجم به منزل پیمان پیران و سالگرد فاجعه خونبار هیجده تیر تا به امروز به شکل نامحدود ادامه دارد.

در این بین زندانیان رژیم جمهوری اسلامی ایران ، دکتر ناصر زرافشان ، پیمان پیران و دکتر فرزاد حمیدی را به حفاظت زندان منتقل کرده و به شدت مورد تهدید قرار داده اند. مسئولان قصد داشتند پیمان پیران و دکتر فرزاد حمیدی را به سلو لهای انفرادی منتقل سازند ولی دکتر ناصر زرافشان مانع این امر گردید . فشار مسئولان زندان با قطع تلفن های زندان و ملاقات خانواده ها ی زندانیان با آنان ، شدت یافته تا این اعتصاب غذا شکسته شود.
بقیه در صفحه 2

در اولین سالگرد جانباختن زهرا کاظمی ،
اهمیت این پرونده بین المللی را دریابیم !
آرش کمانگر



یکسال پیش - در دوم تیر ماه 82 ، زهرا کاظمی (خبرنگار و عکاس ایرانی - کانادایی) در حالیکه با در دست داشتن مجوز رسمی شعبه رسانه های خارجی وزارت ارشاد ، مشغول گرفتن عکس از تجمع خانواده های بقیه در صفحه 10

ادامه از صفحه یک

اعتصاب کننده گان به مقاومت خویش ادامه می دهند

رژیم جمهوری اسلامی ایران با نقض آشکار میثاقهای حقوق بشری، تحمیل شرایط پلیسی سخت بر جامعه را حاکم نموده و با تهاجم به زنان به گسترده ترین شکل به بهانه بی حجابی در فصل گرما از جمله: تهاجم به «انجمن زنان تارا» و دستگیری چند تن از فعالین آن و دستگیری گسترده جوانان دختر و پسر و دانشجویان و فعالین جنبش آذربایجان در یادمان قلعه بابک (کلپیر) موجی از سرکوبگریهای فزاینده را در شرایط بعد از انتصابات مجلس هفتم شورای اسلامی در سراسر ایران توسط حزب الله و نیروهای انتظامی و ضد شورش حادث گردانیده است و در هفته آینده نیز به صحنه آرابی نمایش قضایی پرونده زهرا کاطمی خواهند پرداخت این در شرایطی ایست که از ورود هیات نظارت کانادایی به دادگاه ممانعت به عمل آورده اند.

ما امضاء کننده گان این دعوت عام ضمن پشتیبانی و حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی نامبرده و خواست برچیده شدن همه زندان ها اعلام می داریم:

- ما همواره محکومیت و اعتراض همه جانبه خویش به نقض آشکار میثاقهای جهانی حقوق بشری در حق شهروندان ایرانی را توسط کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام می داریم!
- آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی بویژه فعالین دستگیر شده ۱۸ تیر و فعالین آذربایجانی و رسیدگی به پرونده زهرا کاطمی را با نظارت هیات کانادایی و وکلای جهانی خواستار می باشیم!

- لغو مجازات اعدام، شکنجه، سنگسار و آپارتاید جنسی و دادخواهی خانواده های اعدامیان و زندانیان سیاسی خواست ما می باشد!

- ما اعزام یک هییت از حقوقدانان و روزنامه نگاران بین المللی جهت بازدید از زندانهای ایران و ملاقات با زندانیان سیاسی و ارائه گزارش آن به افکار عمومی ایران و جهان و مراجع حقوق بین الملل را خواست اخص خود اعلام می داریم!

امضای افراد و شخصیتهای آزادیخواه اعم از : فعالین سیاسی، دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان، شاعران

و ...

اسفندیار منفرد زاده _ ایرج جنتی عطایی _ آلبرت سهرابیان _ آرش نور کیهانی _ آرش ضیایی _ آرش کمانگر _ آرش امجد _ آزاده شکوهی _ اسد سیف _ امیر اصغرکی نیا _ اصغر ایزدی _ اسماعیل رزازی _ ایوب رحمانی _ احمد پوری _ ایوب رحمانی _ المیرا مرادی _ ابراهیم آوخ _ احمد افشاری _ اردشیر مهرداد _ اردشیر نظری _ احمد نوین _ امیر نیلو _ ارسلان کریمی _ آرژنگ بامشاد _ اردلان کریمی _ ایراندخت کوهل _ احمد علوی _ اکبر احمدی اسکویی _ دکتر حسن عباسی _ دکتر مرتضی محیط _ دکتر یونس پارسا بناب _ دکتر گلمراد مرادی _ دکتر مهدی یوسفی _ ایرج حیدری _ امیر جواهری لنگرودی _ هادی جواهری لنگرودی _ پرویز جواهری _ احمد مزارعی _ احمد افسری _ اردشیر عظیمی _ احمد غلامیان _ حماد شیبانی _ حسن عزیزی _ حسن حسام _ حسن ماسالی _ حسین باقرزاده _ جمیله ندایی _ بیژن رستگار _ بهروز فراهانی _ بهروز امیدک لاهیجانی _ پرویز نویدی _ محمد اعظمی _ بیژن سعید پور _ همایون فرهادی _ سیمین اصفهانی _ نعمت آزرَم _ شهاب لیب _ پرفسور منوچهر سلیمانی _ سعید افشار _ سیا ووش ستوده _ سیا ووش فرجی _ علی ریاضی _ سیامک جهانبخش _ رضا امید _ روزبه وین _ روبن مارکاریان _ رضا بیگی _ رضا صبری _ رضا سپیدرودی _ رضا مرزبان _ محمد رضا شالگونوی _ جلال شالگونوی _ باقر مرتضوی _ سهراب شباهنگ _ نسرين احمدی _ محسن فرد _ هوشنگ کشاورز صدر _ احمد رنجبر _

رفعت رنجبران _ نرگس کرمانشاهی _ مسعود پولادی _ کاوه پولادی _ خلیل ورمزیاری _ سیاووش اوستا _ شهره ارفقی _ پرویز آذر _ نجف روحی _ محمد دشتی _ جواد یگانه _ احمد سالمی _ امید صالحی _ پروانه مقدم _ محسن احمدی _ ایران فرجی _ جواد اسکویی _ نرگس احمدی _ مهدی توسلی _ حسین قاضی _ پیام لطفی _ فریبا ثابت _ حسین شرابی _ علی پیچگاه _ بیبا صفری _ سحر غمیان _ علی طاهری _ ثریا پیت ساز _ علی اکبر شالگونوی _ مزدک شالگونوی _ شهره شالگونوی _ آزاده شالگونوی _ هوشنگ دیناروند دانیال _ علی دیناروند _ علی افشاری نیکو _ زویا قاشلاق _ مجید تمجیدی _ شهرام قبری _ گلناز هدایت _ بیژن امینی _ سعید حاجی زاده _ حسن کیانوش _ کاوه رضوانی _ مهتاب توسلی _ حمید مهر آرا _ علی شمس _ جمشید روحی _ عبدالله توسلی _ شادی توسلی _ الولد کرمانشاهی _ بیژن امینی _ فرخ قهرمانی _ فرامرز پویا _ فرامرز دادور _ رضا طالبی _ امین مولایی _ وحید اصغرکی حصارکی _ محمد هادی امینیان _ سیامک وطن آبادی _ فریدون احمدی _ فرهاد بهشتی _ دریا دل توانا _ داوود نواییان _ سعید اوحدی _ محمد علی اوحدی _ عطا مرادی _ صمد نوید _ عباس مومن _ علی پور نقوی _ پروانه ریاحی _ لاله حسین پور _ شیرین مرادی _ خلیفه موسوی _ حمید موسوی _ محمد پوری اصل _ محمد حسینی _ خسرو مقدم _ شهرام شمس _ اکبر ذوالقرنین _ علی فیاض _ کریم بهجت پور _ حشمت محسنی _ علی اعتدالی _ علی گلپایگی _ فریبرز داوودی _ گلنار روحی _ سروژ قازاریان _ منیر برادران _ پتی بلوچ _ علی جالبینوسی _ رخشنده حسین پور _ مسعود صدیقی _ حسین تقی پور _ مرضیه مومن زاده _ نوید مومن زاده _ کریم حاجی رسول _ سالار آشناگر _ بدری صفوی _ اکبر اغراقی _ سارا آزاد _ اصغر جیلو _ پروانه قاسمی _ شیرین مرادی _ یاور اعتماد _ شعله ایرانی _ ناصر اخوان _ فروغ اسد پور _ محمود آزاد _ یاسمین میطر _ تراب ثالث _ بهرنگ ریاحی _ نقی ریاحی _ نقی ریاحی _ نیکولا ریاحی _ پروین شکوهی _ تقی روزبه _ پدرام قهرمانی _ جواد نجابت _ جواد عرفانیان _ رضا نجابت _ حسین جواد زاده _ دکتر پیران آزاد _ مسعود کرمانشاهی _ نوشین شاهرخی _ رحمان صوفی _ حمید پور قاسمی _ ویدا هوشیار _ جعفر ابراهیم زاده _ علی دماوندی _ حجت کسریان _ خسرو آهنگر _ نصرالله شاد مهر _ هدایت سلطانی پور _ هادی فهیمی فر _ حبیب ریاحی _ پروین ریاحی _ محسن کیا _ منوچهر رادین _ جلیل زنجانی _ مهران اعظمی _ ناهید ناظمی _ ناصر روشن ضمیر _ محمد خیری _ رضا خیری _ عبدالقادر بلوچ _ عسکر آهین _ مهدی کیا _ مجتبی نظری _ مسعود نظری _ کوکب نظری _ فرامرز پور نوروز _ رضا چیت ساز _ رضا جعفری _ غلام آل بویه _ سید حسین تهامی _ ویدا صالحی _ محمد امین ملا زاه گان _ پروانه ناجی _ دکتر جواد جواد _ نسرين آزاد _ سارا محمود _ سعید پورمند _ مهشید راستی _ علی فکری _ اردلان کریمی _ مریم البرز _ علی عابدینی _ حسین عابدینی _ محمود حشمت _ یوسف آبخون _ حسن طهامی _ حسین طهامی _ جواد نوید _ محمد معمار نژاد (بهرنگ) _ صدیقه یوسفی _ سیروس داستا ران _ داریوش آرام _ داریوش ارجمندی _ مجید مظفری _ حسین مظفری _ محمد آزادگر _ شیوا بهار _ حسن جعفری _ حمیلا نیسکیلی _ شکوفه ابراهیم زاده _ علی میر حسینی _ رضا صداقت _ فرشاد بیگی _ کریم خوش عقیده _ حسین سعیدی _ حسین توسلی _ علی فرقانی _ سیامک انصاری _ نصیر گیلانی _ مرتضی بوداغی _ رضا توانگر _ محمد رضا باقری _ عزت الملوک امامی _ جواد یغمانیان _ مهدی صفا پور _ ابراهیم نجفی _ مینا پویا _ پروین ابراهیمی _ علی عیدی _ محمد مهر پور _ منصور افشاری _ اصغر نصرتی _ سعید تقوی _ موسی دانشفر _ جواد دادستان _ احمد نیک بین _ رضا صفا وردی _ منوچهر غفاری _ عبدالله محمودی _ پوران اصغر _ مصطفی پور سنگری _ فرزانه بلبل آبادی _ شکور فلاح _ حسین رودباری _ نادر صمد پور _ بهروز اسدی _ رسول جوادیان _ و ...

اسامی 50 نهاد فرهنگی و اجتماعی در خارج از کشور ...

kanon_anjoman@yahoo.com آدرس تماس

کنترل اوضاع، نیازی مبرم به آن دارد، عاملی است که به نفع حکومت عمل می کند.

سوم - حضور اصلاح طلبان در حکومت، به بورژوازی جهانی و اکثر دولت های امپریالیستی، هم امید به تغییرات مطلوب می داد، و هم بهانه ای برای توجیه نرخمخونی و اغماض شان در قبال جمهوری اسلامی. این امید و این بهانه از میان رفته است و مناسبات متقابل تا مدتی غیر قابل پیشبینی، تیره و پر تنش شده و معاملات شان با دندان چروجه و چشم غره همراه خواهد بود.

چهارم - شکست اصلاح طلبان و پروژه اصلاحات، پایان مبارزه طبقاتی در اردوی بورژوازی ایران نیست. آنچه درصحنه چالش های سیاسی ایران به چشم می آید، بازتاب مبارزات طبقاتی است که در عمق جریان دارد و اصلاح طلبی هم تبلور سیاسی ی بخشی از مبارزه طبقاتی درون اردوی بورژوازی بوده است. فراکسیونی از بورژوازی با حمایت از احیای سلطنت، با امید باز پس گرفتن قدرت اقتصادی است که در انقلاب از دست داده است. بورژوازی اصلاح طلب، با تلاش برای مشروطه کردن ولایت فقیه و با شعار " مردم سالاری دینی"، در پی آن بوده است تا اقتدار سیاسی مطلق الیگارشی مسلط بر شریان های اقتصادی کشور را بشکند، و راه تقسیم "عادلانه" قدرت سیاسی و اقتصادی میان "خودی ها" را هموار کند. بورژوازی جمهوری خواه ولایتیک، با آرزوی استخاله حکومت اسلامی به یک حکومت عرفی و پلورالیست بورژوائی، در پی آن بوده است که تبعیضات ایدئولوژیک و سیاسی ی مانع از شراکت اش در قدرت اقتصادی و سیاسی از میان بروند. الیگارشی حاکم بر اقتصاد کشور نیز با دفاع از تمامیت خواهی سیاسی در قالب ولایت مطلقه فقیه، از سلطه انحصاری اش بر شریان های اقتصادی و اهرم های سیاسی کشور دفاع کرده است. لایه های دیگر بورژوازی و خرده بورژوازی هم سایه روشن های این چهار قطب اصلی خانواده بوده و منافع شان توسط جریانات سیاسی مختلفی بیان می شود. پدیده اصلاح طلبی حکومتی، نه ابدا جنگ زرگری جناح های حکومتی بوده، و نه فقط تدبیری از جانب جناحی از حکومت برای تحمل پذیر کردن رژیم برای نجات رژیم؛ بلکه علاوه بر این و در کنه خود، بازتاب سیاسی و بیان نظری ک مبارزه طبقاتی بخشی از بورژوازی طرفدار رژیم اسلامی ولی مغبون و کوتاه دست، با الیگارشی مسلط بر اقتصاد کشور بوده است. از این رو، با شکست اصلاحات و اخراج اصلاح طلبان از حکومت، این مبارزه طبقاتی پایان نمی یابد بلکه باید در انتظار آن بود که این چالش طبقاتی، قالب و گفتمان دیگری به خود بگیرد.

پنجم - بورژوازی طرفدار ولایت مشروطه فقیه، با بریده شدن دست اش از حکومت، اگر در مبارزه طبقاتی با انحصارگران قدرت پیگیر باشد، ناچار است که در مشی و ابزارهای مبارزاتی اش تغییراتی بدهد. از یک طرف با ثابت شدن ناکارآمدی ک مشی قانونی، منطقی راهی جز روی آوردن به مشی فراقانونی (و البته کماکان مسالمت آمیز) باقی نمی ماند؛ و از طرف دیگر با از دست دادن اهرم های دولتی - اهرم های ناکارآمدی چون قانون و مجلس و قوه اجرائی - گرایش به جایگزین کردن آن ها با اهرم های بیرون از دولت، یعنی اهرم توده ای و اهرم قدرت های خارجی، می تواند تقویت شود. در چنین صورتی، این بخش از بورژوازی علی رغم اختلاف استراتژیک اش با سلطنت طلبان روی سرنگونی رژیم، در تاکتیک تکیه بر نارضائی توده ای و تشویق دولت های امپریالیستی به ایراد فشار بر حکومت، به آنان نزدیک می شود و باید در این ائتلاف منفی، با آنان به رقابت بپردازد.

ششم - اثبات اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی، به طریق اولی عدم امکان استخاله آن به یک رژیم ولایتیک و پلورالیست را ثابت کرده و استخاله طلبی ی بورژوازی جمهوری خواه ولایتیک - که اغلب طیف های جریانات موسوم به " جمهوری خواه"، مواضع و دیدگاه های لایه های گوناگون آن را بیان می کنند - موضوعیت تاریخی و سیاسی خود را از دست داده است. این جریان که اصلاحات را جاده صاف کن استخاله عرفی رژیم می پنداشت و از این رو بطور یکجانبه حامی و متحد طرفداران ولایت مشروطه فقیه شده و سرنوشت سیاسی خود را به ارابه اصلاحات بسته بود، به ورشکستگی کامل سیاسی و نظری رسیده است و از این پس باید به فکر استخاله خودش باشد تا مگر در شکل و شمایل و با گفتمانی دیگر به میدان بیاید.

تحولات جدید ، ظرفیت های جدید

مردم ایران در دوم خرداد 1376، با شرکت گسترده در انتخابات ریاست جمهوری و رای دادن به محمد خاتمی به قصد بر زمین زدن ناطق نوری بمنابۀ مظهر جمهوری اسلامی، بیزاری خود از وضع موجود و اشتیاق خود به تغییر را، در شکل امید به اصلاح جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند. آن اقدام متناقض، اقدامی تاریخی بود، زیرا پایان مشروعیت جمهوری اسلامی را رسماً اعلام می کرد؛ و آغازی بود برای یک دوران آزمون و ادراک سیاسی در مقیاس توده ای. بزرگترین دست آورد های آن اقدام در طی نزدیک به هفت سال، رسوائی و انزوای بیش از پیش تمامیت خواهان؛ باز شدن دست خود اصلاح طلبان و همداتی شان با رقبایشان؛ تشدید و تعمیق تضادهای حکومتی؛ بالا رفتن آگاهی مردم و درک اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی، با تکیه بر مشاهدات و تجربه مستقیم خودشان بود.

هنگامی که این آگاهی و تجربه برای توده مردم حاصل شد، زمان برداشتن گام بعدی فرا رسید. این بار، مردم با تحریم گسترده انتخابات مجلس هفتم در اسفند 1382، بیزاری خود نه فقط از تمامیت خواهان، بلکه از اصلاح طلبان را هم فریاد کردند. این هم اقدامی تاریخی بود، چرا که نه دیگر تغییر در رژیم، بلکه تغییر رژیم را طلب می کرد. این گام بزرگ و کیفی مردم به پیش، مبدأ تحولات دامنه داری است که به تدریج نمایان خواهند شد. از هم اکنون و به دنبال پس گرفتن رای خود از اصلاح طلبان و نفی رژیم در کلیت خود توسط مردم، تغییرات مهمی در زمینه های گوناگون یا آغاز شده و یا زمینه آن ها پدیدار شده است که ظرفیت های تازه ای را برای تحولات بعدی کشور و برای مداخله گری در این تحولات فراهم می سازند:

یکم - با حذف اصلاح طلبان از حکومت و شکست پروژه اصلاح رژیم، جمهوری اسلامی سوپاپ اطمینان خود را در برابر نارضائی مردم از دست داده، آسیب پذیرتر و شکننده تر شده است. از این پس اقشار و طبقات ناراضی، با همه مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود، مستقیماً با حکومتی رو در رو و طرف خواهند بود که دیگر نمی تواند برآورده نشدن خواسته های مردم را به گردن اصلاح طلبان بیاندازد. و چون خود حکومت بزرگترین دشمن و مانع این مطالبات است، برای پس زدن آن ها و از سر گذاردن امواج مبارزات مردم، باز هم به فرا افکنی و بحران آفرینی های داخلی و ماجراجوئی های خارجی روی خواهد آورد تا با تلاش برای بسیج مذهبی یا ناسیونالیستی مردم به گرد رژیم، مانع از همبستگی آن ها در برابر حکومت شده و مطالبات شان را درهم بکوبد. دامن زدن به حوادثی چون آشوب های نجف و کربلا؛ ماجراجوئی در تحرکات اتمی؛ یا بهره برداری از تحریکاتی که برخی کشورهای عرب می کنند، می توانند وسایلی برای بحران سازی های مذهبی و یا فرامرزی باشند.

دوم - با حذف اصلاح طلبان، بحران درونی حکومت (و نه البته بحران رژیم) موقتا از بین رفته است. این به حکومت امکان می دهد که تا مدتی با هماهنگی بیش تر و بدون تنش های درونی به اداره کشور بپردازد. آنچه اکنون " یکدستی" حکومت نامیده می شود، بیش از آن که یکدستی باشد، همدستی است که برای بیرون کردن اصلاح طلبان از حکومت به وجود آمده است؛ اما همین حکومت " یکدست"، بخاطر منافع اقتصادی دسته بندی های متعدد درون این ائتلاف و رقابتی که میان آنان بر سر قدرت فائده سیاسی جهت پیش بردن سیاست های داخلی و بین المللی خودشان وجود دارد، دیر یا زود چند دستگی خود را آشکار خواهد کرد. به این ترتیب، حذف اصلاح طلبان، نه پایان شکاف و بحران در حکومت اسلامی، بلکه آغاز پیشروی شکاف به حلقه درونی تری از صاحبان قدرت و تعمیق بحران موجودیت رژیم خواهد بود. اما همین یکدستی موقت، در این مرحله که حکومت برای مهار اعتراضات و

گام های استوار به پیش برود، لازم است که از یکسو به سرعت گسست نظری خود از گفتمان اصلاح طلبی و استخاله طلبی، و تفکیک سیاسی خود از جریانات وابسته به اصلاح طلبان و استخاله طلبان را کامل و قطعی کند؛ از لحاظ عملی، در پی ابزارها و وسائل تازه و مستقل برای ارتباطات میان جنبش ها و اطلاع رسانی در جامعه، و نیز به دنبال اشکال جدیدی برای اقدام باشد که ضربه پذیری اش را در برابر سرکوب، کاهش دهند؛ و از سوی دیگر، شبکه ای گسترده از ارتباط و حمایت با جنبش مطالباتی مزد و حقوق بگیران که جنبشی فعال و روبه گسترش است، ایجاد کند.

بازدهم - با افت جنبش عمومی ضد استبدادی، موازنه آن با جنبش طبقاتی کارگران برهم خورده است. جنبش طبقاتی کارگران - که علی رغم همه ضعف هایش چند سالی است در مقیاسی بی سابقه گسترش و استمرار یافته است - نمود بیشتری پیدا کرده و مبارزه کارگران بعنوان یک جنبش طبقاتی، از جنبش عمومی ضد استبدادی تمایز پیدا کرده و از زیر سایه آن بیرون می آید. این تشخیص جنبش طبقاتی کارگری، شرط مهمی است برای آن که جنبش کارگری در صورت تداوم و استحکام خود، از یک طرف بعنوان یک جنبش مستقل و با هویت متمایز و با اشکال ویژه مبارزاتی خود در کنار جنبش های همگانی و فراطبقاتی تثبیت شود و زمینه اجتماعی پوپولیسم و خطر افتادن در دام مملکت "همه باهم" را تضعیف کند؛ و از طرف دیگر، با تفکیک و تمایز صف طبقاتی خود، شرط عینی ی قطع دنباله روی از بورژوازی در مبارزه علیه استبداد مذهبی، جاری ساختن گفتمان کارگری از آزادی و دموکراسی در جنبش عمومی دموکراتیک، و تکوین آلترناتیوی در برابر هژمونی ایدئولوژیک و سیاسی بورژوازی بر جنبش ضد استبدادی فراهم کند.

دوازدهم - سیاست کلان اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی بر غارت هرچه بیشتر منابع ثروت و درآمدهای نفتی، استثمار هرچه شدیدتر کارگران، و چپاول هرچه بی رحمانه تر مصرف کنندگان - که اکثریت شان را زحمتکشان، مزد بگیران ثابت و تهیدستان شهر و روستا تشکل می دهند- استوار است. در گرایش به سیاست های نئولیبرالی، در تلاش برای پذیرفته شدن به سازمان جهانی تجارت و در تبعیت از دستورات بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، حکومت تمامیت خواهان اختلافی اساسی با اصلاح طلبان و دیگر فراکسیون های بورژوازی ندارد و با چنین منظوری از "اصلاحات اقتصادی" و به منظور افزایش همان غارت و استثمار و چپاول است که وعده تبدیل ایران به "ژاپن اسلامی" را می دهد. از رونقی اقتصادی که با این جهت گیری طبقاتی و بر اساس سیاست های خانه خراب کن برای اکثریت جامعه و با سرکوب سیاسی و مطالبات صنفی به وجود آید، علاوه بر احتاپوس حاکم بر کشور، در بهترین حالت فقط بخشی از طبقات میانه ممکن است بهره ای ببرند. نصیب کارگران و زحمتکشان و انبوه تهیدستان، تنها افزایش فقر و بی حقی و بی پناهی خواهد بود. در هر حال، چه یک چنین رونقی به وجود آید و چه وضع اقتصادی غیر قابل تحمل فعلی ادامه پیدا کند، زمینه های جنبش مطالباتی کارگران و مزد بگیران، و برآوردن مطالبات آنان را ندارد، راهی جز سرکوب کردن نخواهد داشت. همه احزاب و فراکسیون های بورژوازی هم - علی رغم این که میخواهند از این جنبش های توده ای برای فشار از پائین به حکومت در جهت اهداف خود سو استفاده کنند - همدل و هم جهت با حکومت اسلامی، در ضدیت با این جنبش ها و در همدلی با سرکوب آن ها عمل خواهند کرد؛ زیرا آنان برای آن که بتوانند با طبقه کارگر، زحمتکشان و تهیدستان علیه استبداد متحد شوند، باید با استبداد علیه رادیکالیسم دموکراتیک و مطالبات اقتصادی این طبقات متحد شوند تا مبادا جنبش آنان، از مرز اعتراضات سیاسی علیه استبداد مذهبی موجود فراتر برود.

سیزدهم - با شکست اصلاح طلبی، دوره شتاب گرفتن گسست کارگران از دستگاه های دولتی و امنیتی تحت نفوذ اصلاح طلبان نظیر "خانه کارگر" و "حزب اسلامی کار"، فرا می رسد. این گسست از نهادهای وابسته به حکومت به دنبال طرد کامل نهادهای سیاهی چون انجمن های اسلامی و شوراهای اسلامی کار، زمینه را برای مبارزه کارگران بخاطر تشکل های صنفی مستقل، مساعد، و احساس نیاز آنان به تشکل سراسری کارگری

هفتم - حالا دیگر بخشی از مردم، نمایندگان و سخنگویان خود را در بخشی از حکومت تصور نمی کنند. حساب حنا آن بخش از مردم نیز که هنوز به اصلاح طلبان توهم دارند، از حکومت سوا شده است. اختلاط قلابی "بالا" و "پائین" از میان رفته، و مرزی قطعی میان مردم و حکومت کشیده شده است. این تفکیک، شرطی لازم ولی ناکافی فراهم آورده است تا مردم از این پس در پی راه و روش دیگری برای پیگیری مبارزات و مطالبات خود باشند. اگرچه برای صحبت کردن از آمادگی روحی و عملی مردم برای سرنگون کردن رژیم هنوز زود است، اما در این نمی توان تردید داشت که اکنون دیگر اکثریت قاطع مردم از خط وسط "دوم خرداد" عبور کرده و در زمین سرنگونی قرار گرفته اند و نیروی بالقوه سرنگونی به شمار می آید. در این نقطه عطف، موضوع از اقناع مردم به اصلاح ناپذیری رژیم، به چگونگی آماده شدن آنان برای سرنگونی رژیم، یعنی تدارک سیاسی و عملی سرنگونی تبدیل شده است.

هشتم - شکست اصلاحات از یک طرف، و شکست اصلاح طلبان از طرف دیگر، هرچند مردم را از توهم به یک سراب و نیز از رهبری سیاسی اصلاح طلبان رها کرده است، اما آنان را در همان حال، هم در داشتن یک چشم انداز، و هم در رهبری سیاسی ناراضی ی خود، با خلا و سرگشتگی مواجه کرده است. به این ترتیب، زمینه برای پرس و جوها و جستجوهای تازه از سوی مردم، و زمانه برای طرح برنامه ها و ترسیم چشم اندازهای جایگزین از طرف جریانات مختلف اپوزیسیون راست و چپ رژیم، مساعدتر می شود.

نهم - بورژوازی مسلمان اصلاح طلب، پس از رسوایی و بی اعتباری واسطه های سیاسی اش در اپوزیسیون حکومتی، تلاش می کند که این بار آنان را با نقاب اپوزیسیون به صحنه بیاورد و رهبری جنبش ضد استبدادی مردم را از طریق آژانس های سیاسی و کارگزاران دانشگاهی، مطبوعاتی، حقوقی، مذهبی و غیره پیش بدست بگیرد؛ اما بخاطر مخالفت با سرنگونی رژیم، حنایش بیش مردم آزادی خواه رنگی ندارد و در رقابت برای فریب مردم، دست اش از بورژوازی سرنگونی طلب خالی تر است. یکی دیگر از چرخش های این دوره، انتقال بخت رهبری ناراضی توده ای، از اصلاح طلبان به سرنگونی طلبان است؛ و جبهه اصلی نبرد بر سر هژمونی، از تقابل سرنگونی طلبان با اصلاح طلبان، به درون سرنگونی طلبان منتقل می شود. از این رو تفکیک صفوف و تبیین شفاف برنامه ها و فاصله گرفتن از شعارهای کلی، نه فقط برای متمایز کردن جمهور خواهان از سلطنت طلبان، بلکه در درون طیف جمهوری خواهان هم ضرورت و اهمیت می یابد.

دهم - جنبش ضد استبدادی و آزادی خواهانه بخاطر آن که بخش های عمده ای از آن (بخصوص در میان دانشگاهیان، روزنامه نگاران و کلا)، مبارزات خود را در پیوند سیاسی و ایدئولوژیک با اصلاح طلبان حکومتی؛ با امید به ایستادگی آنان؛ و به انکای امکانات دولتی شان به پیش می بردند، در نتیجه ی بی اعتبار شدن گفتمان اصلاحات؛ در اثر سرخوردگی و احساس خیانت شدگی؛ و بخاطر از دست رفتن امکانات و حفاظ های ایمنی نسبی نی که اصلاح طلبان حکومتی برای جریانات وابسته به خود فراهم می کردند؛ و بخشا هم در نتیجه از میان رفتن فضایی که شکاف در حکومت برای مبارزات مستقل فراهم می کرد، رو به افت گذاشته است.

رژیم اسلامی، که با خلاصی موقت اش از تنش های درون حکومتی، آسوده خیالی اش از ضعف شدن احتمال اشغال نظامی ایران توسط آمریکا بخاطر باتلاقی که در عراق برای خودش درست کرده است؛ و نیز با افزایش درآمد نفت، امکاناتی برای نفس کشیدن پیدا کرده است، می تواند از افت این جنبش، برای تجدید قوا و وارد کردن ضربات سهمگین بر آن استفاده کند - و قطعا هم چنین قصدی دارد. اما جنبش آزادی خواهی و ضد استبدادی برای آن که از نفس نیافتد و با توانمندی، دوباره اوج بگیرد، باید بر یأس و سرگشتگی غلبه کند، و این افت را در حکم ورود به دوره ای انتقالی تلقی کند که طی آن، باید هدف ها و روش ها و وسائل و شعارهای مبارزه و صف دوستان و دشمنان، یک بار دیگر مورد تامل و تجدید نظر قرار بگیرند. این دوره گذار، باید هرچه کوتاه تر باشد تا فرصت ها از دست مردم به دست حکومت منتقل نشوند. جنبش ضد استبدادی و دموکراتیک، برای آن که روی پای خود بایستد و با

و نمایندگی های سیاسی مستقل کارگری (احزاب سیاسی کارگری) را تقویت می کند.

از مجموعه شواهد بالا بر می آید که به دنبال اقدام تاریخی مردم در تحریم انتخابات مجلس هفتم و پایان دوران پس از دوم خرداد، به نقطه عطفی رسیده ایم که برجسته ترین شاخص های آن عبارتند از: تفکیک مرزهای مردم از حکومت؛ گسست از گفتمان اصلاح طلبی؛ هموار شدن زمینه کلی رادیکال شدن مطالبات و تعمیق مبارزات؛ رسیدن به نقطه چرخش در خطوط مشی، اشکال، تاکتیک ها و وسائل مبارزه طبقات و جریانات سیاسی؛ ایجاد زمینه کلی برای تغییر در رهبری، چشم انداز، گفتمان، شعارها، روش ها و وسائل مبارزه دموکراتیک و وقوع تغییر در موازنه مبارزه طبقاتی کارگران با جنبش عمومی ضد استبدادی و تشخیص یافتن جنبش کارگری؛ گسست جنبش کارگری از نمایندگی های صنفی و سیاسی وابسته به حکومت؛ دشوارتر شدن حمایت بین المللی از جمهوری اسلامی؛ والبتنه دشوارتر و پرهزینه تر شدن تداوم مبارزه. همه این ها، گواهان ورود جنبش ضد استبدادی و جنبش های گوناگون اجتماعی، به یک دوره انتقالی اند. در این دوره گذار، انتقال از چه، روشن است؛ اما انتقال به چه، کماکان روشن نیست. با این که جنبش های مردمی هنوز هم مثل دوره های پیشین در دایره نفی قرار دارند، اما فرق کیفی با دوره های پیشین در این است که اولاً این نفی، آینده جمهوری اسلامی را هم شامل شده؛ و ثانیاً لاجرم، این بار به آستانه نامل، پرسش، و جستجوی جایگزین برای افق های تاریک، شعارهای توخالی، راه های بن بست، اشکال و شیوه های عقیم و ناکارآمد مبارزه رسیده است.

به این دوره انتقال باید با بیم و امید نگریست، زیرا که امکانات و ظرفیت های مثبت و خلاق، ولی بالقوه برای این انتقال، در دل شرائط نامطلوب و نگران کننده ای جا گرفته اند که همگی نقد و بالفعل اند : افت مبارزه ضد استبدادی؛ سرکشی ناشی از خلا رهبری و چشم انداز؛ افزایش بی اعتمادی؛ افزایش سرکوب و بالا رفتن بهای مبارزه - و همه این ها در شرایط تداوم ضعف هائی اساسی، که همه جنبش های سیاسی و اجتماعی ایران از آن در رنج اند. با استفاده درست و بموقع از آن امکانات و ظرفیت هاست که می شود این شرائط نامطلوب را از میان برد و راه غلبه بر انبوه مسائل تلنبار شده بر سر جنبش دموکراتیک و ضعف های بنیادی جنبش کارگری را باز و هموار کرد.

این دگرگونی ها و چرخش ها، با ظرفیت های بالقوه ای که به بار آورده اند، فرصتی تاریخی در طول این دوره انتقالی هستند که به جنبش عمومی ضد استبدادی، به جنبش طبقاتی کارگران، به جنبش های ملی خلق ها، به جنبش های اجتماعی زنان و جوانان؛ و به همه نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی داده می شوند تا هر کدام با چگونگی نقشی که در این دوره گذار بازی می کنند، یک بار دیگر شانس خود را در رقم زدن سرنوشت خود، و جهت دادن به راستای حرکت ایران بیازمایند.

با درک اهمیت این چرخش شرائط و با توجه به ظرفیت های کیفی نوینی که با خود به همراه آورده اند، و برای آن که این ظرفیت ها به خدمت تغییر شرائط نا مساعدی که آن ها را محاط کرده اند گرفته شوند، لازم است که در دور آتی، فعالیت ها و تبلیغات کمونیست ها در چهارچوب استراتژی ضد سرمایه داری، ضد امپریالیزم و بر اندازی جمهوری اسلامی، بر سیاست های زیر استوار باشند:

1- تمرکز اخص روی گسترش ارتباطات کارگری و برقراری گفتگوی دوطرفه با پیشروان و رهبران طبیعی کارگری. کمک به آموزش سیاسی و انتقال دانش و تجربیات مربوط به مبارزه طبقاتی و اشکال ویژه مبارزات کارگری به فعالان کارگری در داخل، با همفکری و همکاری همه فعالان سوسیالیست دموکرات و کارگری خارج از ایران.

2- تقویت تشخیص هویت جنبش کارگری بمثابه یک جنبش طبقاتی، و تمایز صفوف آن در کنار دیگر جنبش های اجتماعی و جنبش عمومی ضد استبدادی؛ ضمن تقویت پیوند ها و پشتیبانی های متقابل این جنبش ها، که شرط حیاتی پایداری و پیشروی موفقیت آمیز هریک از آن ها است.

3- جنبش کارگری اگرچه خودنمایی می کند، اما هنوز از قدرت نمائی - که لازمه مقابله با سرکوب و به کرسی نشاندن خواسته هاست- فاصله دارد. برای غلبه بر این ضعف، تأکید بر محوریت مبارزه سراسری کارگران صنایع بزرگ و واحدهای کلیدی اقتصادی و خدماتی، اهمیت بسزائی دارد. این بخش از جنبش کارگری بمثابه ستون فقرات جنبش های مزد و حقوق بگیران، در غیاب تشکل های سراسری صنفی، می تواند تا حدی نقش موتور محرک سراسری و شاسی ک مجتمع کننده و چتر حفاظتی مبارزات نا هماهنگ و بی سامان واحدهای کوچک و پراکنده را ایفا کند. همچنین با طرح و پیگیری مطالبات عمومی و مشترک کارگران کشور و با قدرتی که در مجموعه خود برای چانه زنی و اعمال فشار دارد، می تواند نقش قلعه کوب برای کل طبقه را داشته باشد.

4- تبلیغ سوسیالیسم و تلاش برای ترمیم آسیب هائی که بر وجهه و اعتبار آن در نزد طبقه کارگر وارد شده است، از یکطرف بر پایه سازماندهی تلاش مشترک همه کمونیست ها برای تداوم و تعمیق بازسازی فکری؛ و از طرف دیگر با تلاش برای جلب روشنفکران مترقی و مستعد داخل کشور به مدار اندیشه و عمل سوسیالیستی.

5- تشدید مبارزه با ایدئولوژی نئو لیبرالی - که همه فراكسیون های بورژوازی در آن شریک اند؛ افشای مداوم سیاست های اقتصادی نئولیبرالی رژیم و نتایج خانه خراب کن آن ها برای اکثریت مزد و حقوق بگیر و آینده کشور. تداوم مبارزه با بقایای گفتمان اصلاح طلبی، که این بار تحت عنوان "اصلاح رژیم با فشار از پائین" تبلیغ می شود؛ و همچنین افشای جریانات سلطنت طلب بویژه برای نسل جوان.

6- تلاش برای شکل گیری یک جنبش متحد مقاومت کارگران، بیکاران، زحمتکشان، نهیستانان، زنان کارگر و مستمند، کارمندان جزء، بازنشستگان و افسار محروم در مقیاس ملی، علیه مظاهر ملموس سیاست های نئولیبرالی نظیر خصوصی سازی؛ بیکار سازی؛ خانه نشین کردن زنان کارگر، به کار گرفتن کودکان؛ حذف یارانه ها، قطع بیمه ها و تأمینات اجتماعی، برچیدن چتر قانون کار و قراردادهای دسته جمعی، لغو استخدام های دائم و غیره؛ و گشودن یک جبهه عظیم و سراسری مطالباتی به موازات نهضت عمومی ضد استبدادی در برابر رژیم اسلامی؛ و حکومت ناپذیر کردن کشور از طریق همدستی این دو نهضت عظیم سیاسی و اجتماعی.

7- شتاب بخشیدن به گسست جنبش کارگری از " خانه کارگر " و دیگر نهادهای کارگری وابسته به حکومت؛ و تشدید مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری به ابتکار خود کارگران و در اشکال متناسب با وضعیت های واقعی.

8- کمک به قطعیت یافتن و کامل شدن گسست جنبش دانشجویی و جنبش جوانان از گفتمان اصلاح طلبی؛ و ممانعت از گسترش پاس و انفعال، یا کشیده شدن آنان به دنبال سلطنت طلبان یا جمهوری خواهان لیبرال، از طریق عرضه و ترویج گفتمان دموکراسی رادیکال و پاسخ دادن به پرسش ها و جستجوهای که در این فاز برزخی، آنان را احاطه کرده اند.

9- تشویق و دعوت دانشجویان، دانش آموزان و جوانان متعلق به طبقات پائین، به پیوند مبارزاتی با طبقه کارگر و ایجاد هسته های نیمه علنی و مخفی برای هم‌رزمی و پشتیبانی متقابل.

10- حد اکثر بهره برداری از تنش در روابط دول غربی با حکومت اسلامی و بی اعتبار شدن توجیهات آنان در حمایت از رژیم ایران برای هرچه آگاه تر کردن افکار عمومی جهانیان در باره واقعیات ایران، افزایش فشارافکار عمومی بر این دولت ها، و جلب حمایت بین المللی از مبارزه طبقاتی کارگران و از مبارزه مردم ایران برای دموکراسی.

پیش نویس سند سیاسی اصلاح شده "جمهوریخواهان لائیک و دمکرات"

متنی را که پیش رو دارید ثمره‌ی همفکری چند ماهه‌ی "گروه کار سند سیاسی" است. آن را در اختیار علاقه‌مندان می‌گذاریم تا مورد بحث و بررسی‌اش قرار دهند و با ارائه‌ی پیشنهادهای خود به تصحیح، تدقیق و تکمیلش یاری رسانند لازم به توضیح است که آن چه در [قلاب] آمده، نظر جمعی گروه کار نیست و تنها مورد تأکید یک یا چند تن بوده است. مقدمه‌ی مورد نظر یکی از اعضای گروه هم به خواست ایشان در پانویس آمده است. * امیدواریم که پیشنهادها خود را پیش از ۱۵ اوت ۲۰۰۴ به دست ما برسانید تا بتوانیم دو هفته پیش از نشست سه سیتامبر، متن نهایی سند سیاسی پیشنهادی را آماده سازیم

گروه کار سند سیاسی

جمعه ۹ ژوئیه ۲۰۰۴

ایجاد شرایط لازم برای بهره برداری برابر تمام شهروندان از امکانات مادی و معنوی کشور - برابری حقوقی زن و مرد، پذیرش پیمان بین المللی رفع کلیه اشکال تبعیض از زنان و ایجاد امکانات برای دستیابی به برابری واقعی در تمامی پهنه‌های زندگی اجتماعی [از جمله تعیین سهمیه برای شرکت زنان در امور قانونگذاری، قضایی و اجرایی]

- به رسمیت شناختن حقوق قومها و ملیت‌های ساکن ایران برای حاکمیت بر سرنوشت خویش، احترام به اراده‌ی مشترک آنها در تعیین شکل همزیستی مسالمت آمیز (خودمختاری، فدرالیسم) و التزام به از میان برداشتن موانع پیشرفت هر یک

- تامین استقلال کشور و حق حاکمیت مردم [تأکید بر اصل جایی ناپذیری آزادی، دمکراسی و جمهوری از استقلال کشور و مخالفت با هر گونه دخالت نظامی قدرت‌های بیگانه در ایران]

- تعمیم دمکراسی به همه‌ی سطوح زندگی اجتماعی و تامین حق مشارکت هر فرد در سرنوشت خود و جامعه [از طریق تشکیل انجمن‌ها و شوراهای محلی].

به باور ما جمهوری غیر متمرکز [پارلمانی و متکی بر اصل تفکیک قوای قانونگذاری و قضایی و اجرایی] [مبتنی بر انتخابات آزاد همگانی با رای مخفی و مستقیم، انتخابی بودن سران کشور و پولوالیسم سیاسی]، مناسب‌ترین شکل تامین این آزادی‌ها و حقوق است. [نظامی که در آن مجلس نمایندگان مردم قوه‌ی مجریه را تحت کنترل دارد؛ قوه‌ی قضاییه بر پایه‌ی قوانین دمکراتیک و اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان می‌یابد و در تعیین سیاست‌های کلیدی به همه پرسشی عمومی مراجعه می‌کند]. پیش شرط تحقق این مبانی برچیدن نظام جمهوری اسلامی است که سرشت، ساخت و قانون اساسی آن راه هر حرکت به سوی مردمسالاری را سد کرده، ده‌ها هزار تن از زنان و مردان ما را به قتل رسانده، صدها هزار تن را به زندان انداخته و میلیون‌ها تن را به جلای وطن واداشته است.

خواست ما این است که این نظام بیدادگر به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز برچیده شود؛ هر چند که کارنامه‌ی خشونت بار آن و جناح بندی‌هایش حاکی از وجود چنین ظرفیتی نیست. [ما ضمن نفی خشونت کور معتقدیم] شکل گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می‌کند. قیام علیه جباریت حق مردم است. شکل دمکراتیک تعیین نظام جانشین فراخواندن مجلس موسسان است. در پی یک دوره مبارزه‌ی آشکار سیاسی، در شرایط آزادی رسانه‌ها، تشکلهای و اجتماعات، شکل نظام آینده و قانون اساسی آن به همه پرسشی گذاشته خواهد شد.

* [کارنامه حکومت دینی در ایران نشان داده است که جمهوری اسلامی، به رغم نیاز مبرم جامعه و بر خلاف خواست اکثریت مردم، از دست زدن به اصلاحات سیاسی در ساختار قدرت و پذیرش حاکمیت مردم ناتوان است. سرشت، بافت و کارکرد این نظام مبتنی بر قانون اساسی و نهادهایی است که خود بزرگترین موانع تحقق دمکراسی در ایران هستند. از این رو ما جمهوریخواهان دمکرات و لائیک، مبارزه برای برچیدن نظام جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری لائیک و دمکراتیک را، بر مبنای اصول پایه‌ای و جهات راهبردی زیر هدف اصلی خود قرار داده‌ایم.]

جنبش دمکراتیک مردم ایران پیشینه‌ای دراز و پر نشیب و فراز دارد. این جنبش که با پیدایش تجدد در ایران پا گرفت از همان آغاز در معرض سرکوب دربار، روحانیت و افسرگرای شیعه و استعمار قرار گرفت. دستاورد این جنبش پیشرفت‌های کشور ماست؛ گرچه کاستی‌ها و نارسایی‌هایش نیز منشا صدمات سنگینی نیز بوده است. جمهوری اسلامی با سلب ابتدایی‌ترین حقوق مردم و تجاوز مداوم به دست‌آوردهای جنبش دمکراتیک، تنها جمله پلشتی‌ها و واپس ماندگی‌های قدرت در ایران را یک‌جا و بی‌پرده به نمایش نگذاشته، بلکه کاستی‌ها و نارسایی‌های بنیادین جنبش ما را نیز عریان نموده؛ بی‌توجهی به آزادی و پیوند ناگسستنی آن با مردمسالاری، جدایی دین از دولت، استقلال، عدالت اجتماعی، حقوق زنان و ملیت‌ها و قوم‌های ساکن ایران.

پایندی بر این مبانی زمینه ساز گسترش پیکار دمکراتیک مردم است و نیز شالوده‌ریز نظامی مردمسالار مبتنی بر

- آزادی فردی و همبستگی اجتماعی

- حقوق و آزادی‌های ذکرشده در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر [از جمله آزادی بی‌حصر و استثنای اندیشه، بیان، قلم، تحزب و تشکل]، لغو حکم اعدام و برابری حقوقی تمامی افراد جامعه مستقل از جنسیت، ملیت، دین و بی‌دینی و شیوه زندگی‌شان

- جدایی دین از دولت؛ عدم وجود دین رسمی، عدم دخالت ادیان در تدوین قوانین و نظام آموزش عمومی، آزادی همه‌ی ادیان در ترویج و تبلیغ

- تامین حداقل حقوق درخور شان هر فرد؛ معاش، مسکن، بهداشت، آموزش، کار، و کوشش جهت

اخبار و گزارشات

گردهمایی اعتراضی در اسلو بمناسبت سالگرد ۱۸ تیر



کمیته هجده تیر در شهر اسلو (نروژ) بمناسبت 18 تیر، گردهمایی اعتراضی در مقابل پارلمان نروژ برگزار کرد. این مراسم با استقبال جمع قابل توجهی از ایرانیان مقیم نروژ مواجه گردید. احزاب، سازمانها و نهادهای مختلف، حمایت خود را از این گردهمایی اعلام نمودند که از جمله میتوان به حزب سوسیالیست چپ نروژ، کومله، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان راه کارگر، اتحاد فدائیان، حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جنبش همبستگی اشاره کرد. در مدت نمایش اعتراضی، شعارهایی بزبان نروژی داده میشود. شعارها متوجه مطالبات دمکراتیک و حق طلبانه مردم ایران بود. در محل برگزاری گردهمایی، نمایشگاهی از جنایات جمهوری اسلامی دایر شده بود که توانست توجه بسیاری از نروژیها را که در محل تردد داشتند، جلب کند.

نقص حقوق کارگران

۱۲۹ تن از رهبران اتحادیه های کارگری در سال گذشته کشته شدند

* کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مستقل در گزارش سالیانه خود می گوید در چین فعالیت اتحادیه ها بشدت سرکوب می شود و در بلاروس رهبران اتحادیه های کارگری زندانی می شوند.

* بنابر گزارش کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مستقل مقابله با اتحادیه ها در کشورهای توسعه یافته، بویژه آمریکا نیز از جمله موارد رایج نقص حقوق کارگران است.

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مستقل در گزارش سالیانه خود می گوید کلمبیا یکی از خطرناک ترین مکان ها برای عضویت در اتحادیه های کارگری است. در این گزارش همچنین از برمه، چین و بلاروس انتقاد شده است.

اما بنابر گزارش کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مستقل مقابله با اتحادیه ها در کشورهای توسعه یافته، بویژه آمریکا نیز از جمله موارد رایج نقص حقوق کارگران است.

این گزارش مصادف با مجمع سالیانه سازمان بین المللی کار که در ژنو سویس برگزار شده، انتشار یافته است. در

حالی که در سال گذشته 129 تن از رهبران اتحادیه های کارگری کشته شدند، هزاران نفر دیگر از اعضای اتحادیه ها زندانی شده اند یا مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند. 151 میلیون کارگر از صد و پنجاه دو کشور جهان در کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مستقل عضویت دارند و گزارش سالیانه این کنفدراسیون به تفصیل به وضعیت حقوق کارگران در سراسر جهان پرداخته است. در کلمبیا در سال 2003 میلادی 90 نفر برای اینکه سعی داشته اند حقوق ابتدایی کارگران را به اجرا درآورند کشته شدند.

این گزارش با اشاره به اخراج سه هزار کارمند اداره پست در زیمبابوه به دلیل شرکت در یک اعتصاب کارگری می گوید رژیم رابرت موگابه، رئیس جمهوری این کشور، نشان داده است که به هیچ وجه تحمل فعالیت اتحادیه ها را ندارد. کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مستقل در بخش دیگری از گزارش سالیانه خود می گوید در چین فعالیت اتحادیه ها بشدت سرکوب می شود و در بلاروس رهبران اتحادیه های کارگری زندانی می شوند.

این درحالی است که دولت برمه نیز به سرکوب اتحادیه کارگری با تمام قوا ادامه می دهد. اما این گزارش همچنین از کشورهای صنعتی جهان بویژه آمریکا انتقاد کرده است. کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مستقل می گوید رفتار شرکت های آمریکایی حاکی از مخالفت شدید آنان با اتحادیه های کارگری است.

این گزارش می گوید شرکت های آمریکایی برای برچیدن و متوقف کردن فعالیت اتحادیه های کارگری بطور مستمر از مشاورانی که در این زمینه تخصص دارند، استفاده می کنند.

در همین حال 40 درصد از تمام کارگران بخش دولتی در آمریکا از حقوق چانه زنی دسته جمعی محروم هستند. از سوی دیگر فرآیند جهانی شدن نیز اتحادیه های کارگری را تضعیف می کند.

افزایش رقابت ها در واقع شرایط بدی را برای کارگران فراهم آورده و به نظر نمی رسد که در این روند بهبودی حاصل شود.

تجمع اعتراضی بیش از 1500 کارگر ایران خودرو در مقابل سازمان تامین اجتماعی

از صبح امروز پنجشنبه بیش از 1500 نفر از کارگران ایران خودرو در مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع در اعتراض به اقدام ضد کارگری جمهوری اسلامی برای تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی و تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. گزارشهای دریافتی حاکیست که ماموران انتظامی محل تجمع و خیابانهای اطراف آن را به شدت کنترل می کنند.

تجمع اعتراضی معلمان و اعضای کانونی صنفی در صورت عدم آزادی دبیر و سخنگو کانون!

با اینکه یک هفته از دستگیری محمود بهشتی لنگرودی، دبیر کانون صنفی معلمان و علی اصغر ذاتی، سخنگو و مسئول روابط عمومی این کانون می گذرد، هنوز این دو فعال صنفی امکان ملاقات با خانواده شان را ندارند و دادگاهی برای آنها برگزار نشده است. معلمان و اعضای کانون صنفی خواستار آزادی آنها هستند و اعلام

خانواده اش آواره شده اند و دکتر فرزاد حمیدی به حفاظت زندان برده شده و از آنها خواسته شده تا به اعتصاب غذا پایان بدهند.
 دراختیاری که پیرامون این اعتصاب منتشر شده، از زندانیان زیرعنوان اعتصابیون نام برده شده است:

دکتر ناصر زرافشان، احمد باطبی، پیمان پیران، دکتر فرزاد حمیدی، سعید ماسوری (حبس ابد)، غلامحسین کلبی (حبس ابد)، علی رضا شریعت پناه، سعید شاه قلعه، رضا محمدی، غلامرضا اعظمی، فرهاد دوستی، امید عباسقلی نژاد



اطلاعیه زندانیان اعتصابی زندان اوین همزمان با انتشار اخبار مربوط به اعتصاب گروهی از زندانیان سیاسی زندان اوین، نامه ای با امضای آنان در خارج از زندان تکثیر و مخابره شده است. دراین نامه نسبت به برخی حرکت های به ظاهر حمایتی و در باطن سنوالبانگیز اعتراض شده است. بخش هایی از این نامه را که پیک نت اسامی یاد شده در آن، بعنوان همکاری زندانیان و خوشه چینان خارج از زندان را حذف کرده در زیر می خوانید:

هم میهنان گرامی!

در تاریخ 1383/4/15 اعضای خانواده پیمان پیران - یکی از همبندان ما - مورد تعرض ماموران فوه قضاییه قرار گرفتند و مامورین با ضرب و شتم آنان، آپارتمان مسکونی شان را که از واحدهای سازمانی آموزش و پرورش است، به زور تخلیه، آنان را آواره، اسباب و اثاثیه آنان را به محل نامعلومی منتقل، و محل را نیز پلمب کردند. پیمان پیران که خود به دلیل حمل یک دوربین برای عکسبرداری از دوست دانشجوی خود در جریان محاکمه او در دادگاه انقلاب، به شش سال زندان و ده سال محرومیت از فعالیتهای اجتماعی محکوم شده است، وقتی پس از قطعیت این حکم ظالمانه، خانواده اش نیز در معرض تعرض قرار گرفتند، برای اعتراض به ستمی که بر او و خانواده اش رفته است، دست به اعتصاب غذا زد و گروهی از زندانیان سیاسی دیگر با گرایش های سیاسی و ایدئولوژیک گوناگون که در سالن شماره یک زندان اوین دریند هستند به حمایت از او برخاستند.

در این میان برخی از فرصت طلبانی که محصول جریان سازبهای کاذب و مشکوک محافل قدرتمند در خارج از زندان با صدور و پخش بیانه ها و انجام مصاحبه با برخی رادیوهای برون مرزی فارسی زبان، این حرکت اعتراضی را به خود و گروههای موهوم خود منتسب ساخته اند... آنها ضمن مصاحبه هایی با رادیوهای برون مرزی ادعاهایی را مطرح ساخته اند که ارتباطی با زندانیان اعتصابی ندارد.

زندانیان اعتصابی اوین

تیر ماه 1383

کردند اگر این دو آزاد نشوند دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. احمد بهرنگ، معلم در تهران در مصاحبه با رادیو فردا می گوید هنوز خبری از برگزاری دادگاه نیست. وی می گوید کانون صنفی با برخی از نمایندگان مجلس جلسه ای داشتند ولی نتیجه ای حاصل نشد. اتهام این دو نفر سیاسی اعلام شده است. در تماسی هم که خانواده های آنها با وزارت آموزش و پرورش داشتند، خانواده ها تهدید شده اند که نباید دست به تجمع های اعتراضی بزنند.

تجمع کارگران کردستانی مقابل خانه کارگر کردستان

جمعی از کارگران کردستانی با تجمع در محل خانه کارگر کردستان خواستار رسیدگی به وضعیت نامطلوب کارگران در این استان شدند. به گزارش خبر نگار سرویس کارگری ایلتا، " ابرج بهرام نژاد" دبیر اجرایی خانه کارگر کردستان با اعلام این خبر افزود: کارگران با اعتراض به بخشنامه سازمان تامین اجتماعی مبنی بر پرداخت حق بیمه دو سال آخر کارگران به منظور احتساب 2 سال خدمت سربازی در سنوات شغلی آن ها خواستار پرداخت این مبلغ توسط دولت به سازمان تامین اجتماعی شدند.

وی گفت: کارگران در این تجمع به تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی نیز اعتراض نموده و خواستار چشم پوشی دولت برای استفاده از صندوق پس انداز کارگران در سازمان تامین اجتماعی شدند.

دبیر اجرایی خانه کارگر کردستان هم چنین افزود: کارگران با حضور خود در خانه کارگر نگرانی خود را نسبت به رواج بی حد و حصر قرار دادهای موقت ابراز داشتند. وی تأکید کرد: در حال حاضر حدود 90 درصد از کارگران کردستانی با قرار دادهای موقت مشغول به کار هستند که از سال 82 تاکنون 800 نفر از کارگرانی که در قالب همین قرار داد هاشمغول به فعالیت بوده اند از کار بی کار شده اند.

این مقام کارگری همچنین از نارضایتی کارگران کارخانه نساجی کردستان مبنی بر تعدیل 175 تن از نیروهای کار در این کارخانه خبر داد و گفت: هیات مدیره موضوع تعدیل نیرو برای 175 نفر از کارگران خود را در کمیسیون کارگری استان مطرح نموده اند ولی تاکنون کمیسیون کارگری استان با این طرح موافقت نکرده است و در حال حاضر این 175 نفر در بلاتکلیفی بسر می برند

اخباری از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین

دراعتراض به یورش به خانواده یک زندانی سیاسی اخباری از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین

اطلاعیه زندانیان اعتصابی زندان اوین

بموجب برخی اخبار راه یافته از داخل زندان اوین به خارج از این زندان، جمعی از زندانیان سیاسی اوین دست به اعتصاب غذا زده اند. این اعتصاب در اعتراض به رفتاری آغاز شده که با خانواده "پیمان پیران" یک زندانی سیاسی اوین صورت گرفته است.

گفته می شود این اعتصاب اکنون وارد هفته دوم خود شده است. همچنان که در یک نامه اعتراضی در این شماره پیک نت می خوانید، خانواده پیران را از مسکنی که دراختیار داشته اند بیرون کرده اند و انگیزه اولیه اعتصاب در زندان اوین، همدردی با پیران و خانواده او بوده است.

زندانیان اعتصابی خواهان بازگشت خانواده پیمان پیران به محل اولیه پایان هستند.

از جمع اعتصابیون تاکنون دکتر ناصر زرافشان وکیل خانواده قربانیان قتل های زنجیره ای، پیمان پیران که

فرهاد رفت و قصه شیرین او بماند!

(سیاوش کسرایی)

رفیق فرهاد فرهادی (حیدر) از میان ما رخت بر بست!

خبر ناگوار پایان بخشی زندگی رفیق گرامی ما فرهاد فرهادی (حیدر) در نوروز را طی چند روز پیش دریافتیم . رفیق حیدر در منطقه خوزستان در (سربندر) و در بین خانواده فرهنگی تولد یافت . از سنین نوجوانی به فعالیت سیاسی روی آورد و در سن ۱۶ سالگی به «جرم» هواداری از سازمان کارگران انقلابی ایران _ (راه کارگر) به زندان افتاد . از سال ۶۰ تا ۶۵ یعنی پنج سال از بهترین سالهای عمر خود را در زندانهای جمهوری اسلامی گذراند . فرهاد در زندان علیرغم سن کم ، از چهره های پر روحیه و مقاوم زندان بشمار می رفت که همیشه مورد توجه و احترام همبندان خود بود .

رفیق حیدر پس از رهایی از زندان رژیم اسلامی نیز همچنان روابط خود را با همبندان سابق خویش حفظ کرد و به فعالیت پرداخت و با توجه به تعقیب و آزار پلیس امنیتی ، تبعید ناگزیر بر او به مانند خیل کسان تحمیل گردید و به منطقه بلوچستان (پاکستان) آمد و در کنار رفقای سازمان ما در منطقه ، چهره پیکا رگر خود را نمایاند . در امر سازمانگری و دفاع از حق پناهندگی ، توانایی بیشماری از خود نشان داد و محبوبیت توده ای یافت . سالها بعد به اروپا رسید و سنگ بنای واحد سازمانی ما در نوروز را به همراه دیگر یاران ما پایه ریخت و از چهره های فعال سیاسی شهر بشمار می رفت .

رفیق حیدر در اکثر سا زماندهی حرکت های اعتراضی علیه رژیم اسلامی ایران ، نقش فعال داشته و داوطلبانه سخت ترین بخش از مسئولیت ها را بعهده می گرفت . او همواره برای پذیرش ماموریت های سازمانی از خود گذشتگی بیمانندی بروز می داد . ماموریت های چند گانه رفیق حیدر (کاک بیژن) در کنار یاران صدای کارگر در چند دوره ، چهره وی را در بین فعالین کرد نمایاند . یاران چندی خاطرات فراموش نشدنی کاک بیژن را همواره در کردستان عراق بر زبان می رانند! باری جان جوان رفیق حیدر در ۳۹ سالگی دستخوش سختی ها و گذر رنج های بیشماری گردید که از موجودیت نظام ضد تاریخی جمهوری اسلامی ایران ، متوجه زندگی ما تبعیدیان بنوعی می گردد . او همانگونه که در زندگی اش انسان آرمانخواه و مصمم می نمود بر آن شد در برابر رویدادهای زندگی شخصی اش به عمرش پایان بخشد ، متأسفانه هیچکدام از ما نتوانستیم براین تصمیم وی فائق آیم !!

باری او امروز در میان ما نیست . سازمان ما یکی از یا ران جسور و پرتلاش خود را ازدست داده است . بدین وسیله تأثر و تألم تمامی یاران راه کارگری اش را به اعضاء محترم خانواده اش در ایران و به خواهر و برادر ، دیگر فامیل و دوستان بیشمارش در جای جای جهان اعلام می داریم

مراسم خاک سپاری رفیق حیدر روز چهارشنبه ۲۱ جولای ۲۰۰۴ برابر (۳۱ تیر ۸۳) و گرامیداشت یاد رفیق طی مراسمی در روز شنبه ۲۴ جولای ۲۰۰۴ برابر (۳ مرداد ۸۳) از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در اسلو (نوروز) برگزار می گردد . ما یاد فداکاری ها ، مهربانی ها و عاطفه پر مهر فرهاد (حیدر) عزیز را در خاطره مان همیشه خواهیم داشت . باری فرهاد رفت و قصه شیرین او بماند!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
۱۷ جولای ۲۰۰۴

* با ما ارتباط بگیرید *

سر دبیر هفته نامه

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان

49-40-6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etcadchap.com

همچنین دکتر شهزاد مجاب استاد دانشگاه تورنتو و رئیس بخش مطالعات زنان این دانشگاه به زبان انگلیسی سخنرانی ایراد کرد. دکتر مجاب در سخنرانی تحلیلی خود عمدتاً به انتقاد از بی توجهی دولت کانادا و جناح های مختلف سیاسی در دفاع از حقوق شهروندان کانادا پرداخت و ضمن تشریح موارد مختلف کم کاری مقامات رسمی اظهار داشت که ما به عنوان شهروندان کشور باید به مسئولیت خود در این زمینه عمل کنیم و همینطور مقامات مملکتی را زیر فشار بگذاریم تا فجایعی مانند قتل زهرا کاظمی دوباره اتفاق نیفتد.

از جالب ترین برنامه های هنری، رقص های شاهرخ مشکین قلم بود که دینامیسم حیرت آور، حرکات زیبا و محتوای اندیشمندانه و تفکربرانگیز کار این هنرمند برجسته رقص و تئاتر، تماشاگران را به شگفتی و تحسین واداشت.

شاهرخ مشکین قلم میهمان ویژه برنامه سالگرد زهرا کاظمی بود که از پاریس برای شرکت در این برنامه به مونتریاک آمده بود. کار گروه آنسامیل که اعضای آن پنج نوازنده و خواننده از کشورهای مختلف امریکای جنوبی و امریکای لاتین هستند از دیگر برنامه های قابل توجه این همایش بود. شعرخوانی حسین شرنگ و برگردان فرانسه او به وسیله بهمن صدیقی نیز از برنامه های اثرگذار شب «زیبا» بود.

قطعه «سیاه و سفید... سرخ» با طراحی آرام بیات و با اجرای خود وی و همکار و شاگرد با استعدادش گیسو رانش رقص دیدنی و جالبی بود که ویژه برنامه سالگرد «زهرا کاظمی» به وسیله گروه رقص خورشید خانم اجرا شد. هما علیزاده و فریا افضلی با آوازخوانی های شنیدنی خود کامل کننده این مراسم بودند و کار دیگر هنرمندان شرکت کننده در این سالگرد نیز مورد تشویق تماشاگران قرار گرفت.

در برنامه «زیبا، من به یاد می آورم» که به مناسبت اولین سالگرد قتل زهرا کاظمی برگزار شد همچنین گزیده ای از آثار عکاسی این خبرنگار عکاس در یک «اسلاید شو» به نمایش گذاشته شد که شامل عکس های هنرمندانه و زیبای «زیبا» بود.

همچنین دیروز به همت ایرانیان آزادیخواه ساکن شهرهای تورنتو، مونتریاک و اتاوا، تظاهراتی در برابر سفارت جمهوری اسلامی در پایتخت کانادا (اتاوا) برگزار شد که انعکاس وسیعی در رسانه ها داشته است.

همچنین سازمان کانادائی مدافع آزادی بیان طی نامه ای از تصمیم دولت این کشور برای فراخواندن سفیر کانادا از تهران استقبال کرد. این سازمان از خودداری جمهوری اسلامی برای دادن اجازه به ناظران کانادائی به منظور شرکت در دادگاه بررسی قتل زهرا کاظمی ابراز خشم کرد و نوشت از تصمیم اتاوا برای فراخواندن سفیر استقبال می کنیم. سازمان کانادائی مدافع آزادی بیان همچنین خواستار بازگرداندن پیکر زهرا کاظمی به کانادا برای کالبد شکافی شد. الن کامین، رئیس کمیته نویسندگان و خبرنگاران زندانی وابسته به انجمن قلم کانادا و از اعضای هیئت مدیره سازمان کانادائی مدافعان آزادی بیان گفت تصمیم جمهوری اسلامی پیام بسیار ناخوشایندی را به ما می دهد. انهم اینکه دادگاه پرونده زهرا کاظمی یک دادگاه نمایشی خواهد بود. اگر ما نتوانیم ناظران بین المللی داشته باشیم، به واقعیت پشت این پرونده دست نمی یابیم. وی گفت من از اینکه دولت کانادا تحریم دیپلماتیک را در نظر گرفته است خوشنودم و امیدوارم که آن را اعمال کند چرا که زمان آن فرارسیده است تا قدمی برداریم.

در همین راستا بر ما ایرانیان خارج از کشور است که با بهره گیری از ابعاد بین المللی دادگاه علنی رژیم و داغ بودن اخبار مربوط به این ماجرا، از هیچ تلاشی برای افشای چهره جنایتکار رژیم خودداری نوزیم و از طریق جلب همکاری نهادهای بشردوستان جهانی و اعمال فشار بین المللی، مانع از ماستمالی این جنایت و رسوایی بزرگ شویم.

این تلاشها به خصوص اکنون که شماری از زندانیان سیاسی کشورمان، قهرمانانه دست به اعتصاب غذا رده اند، اهمیت بسزایی پیدا میکند.

نگذاریم رژیم گریبان خود را از جنگ افکار عمومی آزادخواه ایران و جهان خلاص کند. اهمیت ویژه دادگاه زهرا کاظمی را دریابیم!

اولین سالگرد زهرا (زیبا) کاظمی ...

زندانیان سیاسی دستگیر شده در خیزش ده روزه خرداد ماه آنسال، در برابر زندان اوین بود، توسط مامورین شکنجه گاه اوین بازداشت و به زور به داخل محوطه زندان برده میشود. زندانیانان علیرغم رویت اجازه نامه رسمی زنده یاد زهرا کاظمی، اقدام به ضرب و شتم نامبرده نموده و علیرغم وضعیت جسمی خطرناک او (پس از فرود آمدن ضربه به مغز وی)، کماکان به بازجویها و آزار و اذیت او ادامه میدهند، تا اینکه بر اثر بیهوشی، او را به بیمارستان سپاه در تهران (بیمارستان بقیه الله اعظم) منتقل نمایند. ظاهراً 72 ساعت بعد از دستگیری، زهرا کاظمی جان خود را از دست میدهد. به دنبال این جنایت هولناک، به دستور قاضی مرتضوی (دادستان تهران) که در برخی مراحل بازجویی زهرا کاظمی هم حضور داشته، علت قتل، سکنه مغزی اعلام شده و خواستار دفن فوری جنازه میشود. همزمان با این صحنه سازی، با تهدید و ارباب یکی از بازداشت شده گان خیزش خرداد ماه تهران (مسعود کریمی) وی را وادار میکنند که به دروغ ادعا کند که زهرا کاظمی با پرداخت پول و آموزش طرز ساختن کوکتل مولوتوف، او را تشویق به استفاده از این وسیله انفجاری نموده است!!

از سرنوشت این زندانی بخت برگشته اطلاعاتی در دست نیست. اکنون قوه قضائیه و عوامل قاضی مرتضوی با قریانی کردن یکی از پادو های وزارت اطلاعات (بنام رضا احمدی) انهم بعنوان قتل " شبه عمد " قصد دارند گریبان دستگاه خود را از عواقب این پرونده بین المللی خلاص نمایند.

اما به گفته وکلای عزت کاظمی (مادر زهرا) از جمله شیرین عبادی در جلسه علنی دادگاه به ریاست قاضی فراهانی (در شعبه امور جنایی) ضربه مغزی زمانی فرود آمده که زهرا هنوز به مامورین وزارت اطلاعات تحویل داده نشده بود. طبق بررسی های انجام شده (از جمله گفته های شاهدین به هیات تحقیق ریاست جمهوری) سر بازجو و شکنجه گر معروف زندان اوین (حاجی بخشی) که یکی از مهره های نزدیک قاضی مرتضوی است، در همان محوطه زندان اوین و بدنبال مقاومت و اعتراض زهرا کاظمی به دستگیری خود، با مشت به سر او ضربه محکمی وارد کرده، بطوریکه وقتی او را با ماشین به بخش زنان زندان اوین منتقل میکنند، در حالت غش بسر میرده است.

به هر رو اکنون رژیم اسلامی میخواهد با فدا کردن احتمالی یکی از مهره های دست چندم خود (همچون مورد قتلهای زنجیره ای پانیز 77) راه نجاتی برای مهره های اصلی تر از جمله " قصاب مطبوعات و روزنامه نگاران " (مرتضوی جلاد) پیدا کند. آنها تا آنجا پیش رفته اند که ضمن رد دعوی وکلای خانواده کاظمی، برای حاجی بخشی جنایتکار، قرار منع بازداشت صادر نموده اند. همزمان آنها از انجام قول قبلی خود مبنی بر حضور ناظرین کانادایی در جلسات دادگاه امتناع کرده اند. این مسئله سبب اعتراض وزارت خارجه کانادا و تهدید به فراخوانی سفیر خود از ایران شده است. بیل گراهام وزیر خارجه کانادا در یک گفتگوی مطبوعاتی به همراه استفان هاشمی (فرزند زهرا) حتی امکان تحریم اقتصادی ایران و نیز شکایت به دادگاه بین المللی لاهه را هم منتفی ندانست.

با این همه گزارش میرسد که رژیم اسلامی سرانجام با حضور سفیر کانادا در جلسات دادگاه موافقت نموده است.

در این میان و همزمان با سالگرد جانباختن زهرا کاظمی، جمعه شب نهم جولای مراسم به همت " بنیاد زهرا کاظمی " در سالن تئاتر دی. بی. کلارک دانشگاه کنکوردا در مونتریاک برگزار شد. حدود چهارصد نفر در این مراسم شرکت کردند.

در این همایش برنامه های هنری متنوعی از جمله رقص، موسیقی، آواز و شعرخوانی به وسیله هنرمندان ایرانی و غیرایرانی اجرا شد. برنامه با سخنرانی استفان هاشمی فرزند زهرا کاظمی آغاز شد. وی در سخنرانی کوتاه خود از تمام کسانی که در برگزاری برنامه کمک کردند و همینطور مردمی که در آن شرکت کردند تا یاد مادرش را زنده نگه دارند، تشکر کرد.